

بیمه و پیش‌گیری از خسارت (کارآمدترین ابزار مدیریت ریسک)

محمود اسعدسامانی

مقدمه

اگر در سرتاسر گیتی یک واقعیت انکارناپذیر وجود داشته باشد که به یقین بتوان درباره آن اعلام نظر کرد، بی تردید این است که «ما در جهانی زندگی می‌کنیم که پیرامونمان را عدم قطعیت احاطه کرده است». بستر فعالیت‌های روزمره بشر با عدم اطمینان و یقین آمیخته است و همین موضوع بسیار مهم به پیدایش مفهومی به نام ریسک منجر شده است. ریسک هسته اصلی و ماهیت وجودی صنعت بیمه و نظام بیمه‌گری را توجیه می‌کند. در طول سال‌های گذشته شاهد بوده‌ایم که چگونه حوادث دهشتناک طبیعی و غیرطبیعی، مصیبت‌های غمباری برای بشر رقم زده‌اند؛ حوادثی مهیب و وحشتناک مانند انفجار در کارخانه تولید گازهای شیمیایی در بوپال هند؛ انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل؛ سیل‌های ویرانگر و خانه برانداز خاور دور؛ زمین‌لرزه‌های بزرگ پاکستان، ارمنستان، مکزیکوسیتی، رودبار، کوبه، نورتریچ و بسیاری دیگر. متأسفانه، این حوادث فاجعه‌آمیز فقط چند روز یا چند هفته تیرتیر اصلی روزنامه‌ها می‌شوند و یا رادیو و تلویزیون‌های جهان در بخشی از برنامه‌های اخبار خود به این‌ها می‌پردازند و بعد، با گذشت اندک زمانی به فراموشی سپرده می‌شوند. حدیث وقایع به ظاهر کوچک‌تر، که از کنار آن‌ها بی‌خیال‌تر می‌گذریم، شاید غم‌انگیزتر باشد. به آمار جهانی نظری بیفکنیم: در هر ساعت ۳۵ نفر در تصادف‌های رانندگی کشته می‌شوند؛ در هر ساعت ۲۰ کارگر بر اثر حوادث عجیب با کار کشته یا زخمی می‌شوند؛ در هر دقیقه دو اتوموبیل با هم تصادف می‌کنند، یا به سرقت می‌روند؛ در هر روز از سال، آتش‌سوزی میلیون‌ها ریال خسارت به بار می‌آورد؛ و... این فهرست هم‌چنان ادامه دارد. این‌ها همه آثار و تبعات ریسک است که ضرورت توجه، دقت و حوصله بیشتر دولت‌ها، مردم و صنایع را ایجاب می‌کند.

ریسک چیست؟

برخی معتقدند که ریسک شکر و نمک زندگی است. این تعریفی عالی برای ریسک است. ریسک، هم به زندگی شیرینی می‌بخشد و هم باعث تلخی آن می‌شود. معدودند کسانی که جهان خالی از ریسک را می‌پسندند، چرا که همواره یک وجه ریسک مثبت و در جهت منافع و مطلوبیت ماست. اما وجه دیگر آن جذاب نیست و آن سویی است که با خود تلخی به همراه دارد. بعضی‌ها وجه مثبت ریسک را «شانس» نیز می‌نامند. در تعریف و تبیین ریسک دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که به برخی از آن‌ها در زیر اشاره شده است:

- امکان وقوع پیشامد نامطلوب است.

- ترکیبی از خطر هاست.

- ناتوانی در پیش‌بینی آینده است، یعنی ریسک اختلاف نتایج واقعی حاصل با نتایج

پیش‌بینی شده است.

- عدم قطعیت در بروز خسارت است.

- امکان بروز خسارت است.

- هر چیزی است که دارایی‌های حال یا آینده یک شخص حقیقی یا حقوقی را تهدید

می‌کند.

هر کدام از این تعاریف را که برگزینیم باز هم با این واقعیت مواجه می‌شویم که در کل، ریسک مطلوب نیست. چرا که با عدم قطعیت در آمیخته است؛ با خطر همراه است؛ امکان بروز خسارت دارد؛ و سرانجام، قدرت پیش‌بینی را مخدوش می‌کند.

ریسک و خسارت

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اهمیت و توجه به ریسک، پتانسیل آن در ایجاد خسارت است. اصولاً وقوع خسارت سریع‌ترین عامل تعطیل یا وقفه در یک شغل و حرفه است و فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی نیز بنا بر ماهیت خود همواره در معرض خطرهای مختلف قرار دارند. این خطرها ممکن است در حین حمل و نقل مواد اولیه و کالای ساخته شده یا در جریان فرایند تولید نهفته باشد و بروز هر کدام از آن‌ها به خسارت‌های متعددی منجر شود. برای مثال، وقوع آتش‌سوزی در کارخانه، نه تنها موجب وقفه در تولید می‌شود بلکه ساختمان و ماشین‌آلات را نیز طعمه خود می‌سازد و جایگزینی آن‌ها متضمن صرف وقت و منابع مالی مؤسسه است.

حتی اگر بخش کوچکی از کارخانه‌ای دچار آتش‌سوزی شود، ممکن است اهمیت آن بخش به حدی باشد که بر سایر قسمت‌ها تأثیر بگذارد و فعالیت مؤسسه را به طور کلی متوقف کند. از دیگر سو، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تقریباً علت اصلی و منحصربه‌فرد بیشتر خسارت‌ها عامل انسانی است. خواه در نتیجه اعمال اتفاقی و تصادفی، خواه به علت سوء نیت، چه بر اثر کوتاهی در انجام دادن وظایف، و چه در نتیجه بی‌مبالاتی در رعایت احتیاط‌های لازم و یا قصور در بازرسی‌های عادی و تعمیر و نگهداری و مسایل معیوب.

بدین ترتیب جلوگیری از خسارت بستگی زیادی با رفتار انسان‌ها پیدا می‌کند. اگر انسان با ماهیت و پیامد خطر‌ها آشنا شود، می‌تواند هر خطری را بهتر شناسایی کند و قبل از بروز آن و وقوع خسارت، پیش‌گیری‌های لازم را انجام دهد.

پرسش اساسی: کسانی که با مدیریت ریسک یا بیمه سروکار دارند تنها به جنبه‌های منفی و ناخوشایند ریسک توجه می‌کنند. پس طبیعی است که این پرسش منطقی مطرح شود: «برای مواجهه با ریسک چه باید کرد؟». آیا به این دلیل که فعالیت تولیدی، ریسک صدمه و آسیب جانی به افراد را به همراه دارد، باید متوقف شود و ادامه پیدا نکند؟ آیا وجود تصادف‌های جاده‌ای و آسیب‌های جانی و مالی آن، مستمسکی برای ممنوعیت استفاده از وسایل نقلیه است؟ روشن است که این نظریه منطقی نیست. جهان با وجود ریسک نیز به زندگی خود ادامه می‌دهد. آنچه ما می‌توانیم انجام دهیم سعی در مدیریت ریسک‌هایی است که با آن‌ها مواجهیم.

مدیریت ریسک: همان‌طور که پیشتر گفته شد، ریسک عبارت است از «چیزهای ناخوشایندی» که ممکن است در آینده چهره خویش را نشان دهند. بنابراین مدیریت ریسک نیز به دنبال شناخت این چیزها و ارزیابی میزان شدت آن‌ها و چگونگی کنترل‌شان است. یک تعریف کاری برای مدیریت ریسک: «شناخت، تجزیه و تحلیل و کنترل اقتصادی ریسک‌هایی که دارایی‌ها و ظرفیت درآمدزایی یک بنگاه اقتصادی را تهدید می‌کنند». مدیریت ریسک پاسخی است منطقی که جهان پیشرفته امروز به آسیب‌پذیری‌ها و پیچیدگی‌ها داده است. این علم می‌تواند فهم و شناخت بهتری از ریسک و نحوه «مدیریت» آن ارائه دهد. در تجارت، سیاست و بسیاری دیگر از جوانب زندگی امروزی نیز به یک ضرورت و نیاز اساسی تبدیل شده است.

فراگرد مدیریت ریسک: گام‌های فراگرد مدیریت ریسک در دل تعریف آن نهفته

است. در این تعریف جوانب اساسی یعنی شناخت، کنترل اقتصادی، دارایی‌ها و ظرفیت درآمدزایی بنگاه مطرح شده است. به‌طور کلی، فراگرد مدیریت ریسک با شناخت ریسک آغاز می‌شود. این شناخت باید امکان اندازه‌گیری ریسک و اخذ تصمیم در مورد راه‌های مقابله با آن را فراهم سازد. جنبه دیگر، کنترل اقتصادی ریسک است. مکانیزم کنترل هرچه هست باید توجیه اقتصادی داشته باشد. مسلماً صرف ۱۰۰۰ تومان برای کنترل ریسکی که عواقب آن بیشتر از ۵۰۰ تومان نیست، فاقد توجیه اقتصادی است. جنبه دیگر این تعریف، شناخت دارایی‌ها و ظرفیت درآمدزایی است. این دارایی‌ها ممکن است فیزیکی یا انسانی باشد که هر دو مهم هستند. مدیریت ریسک باید به هر دو توجه نشان دهد. به هر حال، ریسک فقط به‌طور مستقیم به دارایی‌ها خسارت وارد نمی‌کند. از این رو در تعریف به ظرفیت درآمدزایی بنگاه اشاره شده است که ممکن است شامل دارایی‌های نامشهود نیز باشد. در نهایت، در تعریف به اصطلاح «بنگاه اقتصادی» نیز اشاره شده است. یعنی فراگرد مدیریت ریسک، به یک شرکت تولیدی محدود نیست. این فراگرد همان قدر که در بخش خدمات قابل استفاده است، در بخش تولید نیز کاربرد دارد و در اقتصاد بخش دولتی و خصوصی اهمیت یکسانی دارد. فراگرد گام به گام مدیریت ریسک شامل چهار مرحله است:

گام اول: شناخت ریسک؛ گام دوم: ارزیابی ریسک؛ گام سوم: کنترل ریسک؛ و گام چهارم: تأمین مالی ریسک. (در جدول شماره ۱ چگونگی این فراگرد نشان داده شده است).

همان‌گونه که از جدول شماره ۱ استنباط می‌شود، مدیر ریسک پس از برداشتن گام‌های اول و دوم، یعنی پس از شناخت و ارزیابی ریسک، راه‌هایی برای کنترل یا تأمین مالی ریسک پیدا می‌کند. این‌جاست که فراگرد مهم و بحرانی «تصمیم‌گیری» شکل می‌گیرد. او باید از بین راه‌های موجود بهترین و اقتصادی‌ترین راه را برگزیند.

مدیریت ریسک راه‌های مختلفی دارد، لیکن تمامی کارشناسان این حقیقت را تأیید می‌کنند که «پیش‌گیری همراه با بیمه بهترین راه برای مقابله با ریسک است». درست به همین دلیل است که در جدول شماره ۱ راه‌حل پیش‌گیری از خسارت در صدر قرار گرفته است. تجربه ثابت کرده است که پیش‌گیری از خسارت توأم با بیمه کردن بهترین و اقتصادی‌ترین راه برای مواجهه با ریسک است (در جدول شماره ۲ این موضوع نشان داده شده است).

جدول ۱. فراگرد مدیریت ریسک

مفهوم مدیریت ریسک	
<p>شناسایی ریسک ارزیابی ریسک راه‌هایی برای:</p>	<p>متخصصان</p>
<p>... </p>	<p>پیش‌گیری از خسارت کاهش تواتر خسارت کاهش شدت خسارت</p>
<p>... ...</p>	<p>کنترل ریسک</p>
<p>... ...</p>	<p>نگهداری ریسک (خود بیمه‌گری) انتقال ریسک (بیمه و بیمه‌اتکایی)</p>
<p>... ...</p>	<p>تأمین مالی ریسک</p>
<p>تصمیم‌گیری برای:</p>	
<p>نظریه + عمل</p>	<p>کنترل ریسک - تأمین مالی ریسک</p>
<p>خسارت‌ها</p>	

جدول ۲. پیش‌گیری از خسارت + بیمه

هزینه‌های ممکن در سال (برحسب ۱۰۰۰ واحد پول)						خطر: آتش‌سوزی	
بیشتر ۱۰۰۰ (درصد)	۱۰۰۰-۲۰۰ (درصد)	۲۰۰-۵۰ (درصد)	۵۰-۱۰ (درصد)	کمتر از ۱۰ (درصد)	صفر (درصد)	هزینه‌ها / راه‌های ممکن	ردیف
۵	۱۰	۲۰	۴۵	۱۰	۱۰	خود بیمه‌گری کامل ریسک	۱
۱	۴	۱۵	۳۰	۵۰		فقط پیش‌گیری	۲
		۱۰	۹۰			بیمه + کسورات	۳
		۱۰۰				بیمه کردن کامل	۴
			۱۰۰			پیش‌گیری + بیمه	۵

تا این جا سعی شد که با ارائه تصویری از ریسک و مدیریت آن برخی جوانب کلی در مورد مدیریت ریسک ارائه شود. این‌ها برای پیشبرد هدف اصلی این مقاله که پرداختن

به هدف‌ها، دلایل و اهمیت «پیش‌گیری از خسارت» است، لازم و ضروری بودند. بنابراین به بحث اصلی می‌پردازیم.

هدف از پیش‌گیری از خسارت

اغلب افراد بر این باورند که پیش‌گیری بهتر از درمان است. این شعار به تمام جنبه‌های زندگی بشر و به‌ویژه خطرهایی که بیمه‌گران تحت پوشش قرار می‌دهند، قابل تسری است. باور همگان این است که حریق‌ها، تصادفات، خسارت‌ها و آسیب‌های وارده به اموال و تأسیسات نه تنها موجب گرفتاری و مشقت انسان‌ها می‌شود بلکه در اغلب موارد منافع ملی را بی‌جهت از بین می‌برد. این امر تأثیر بسیار نامطلوبی بر اقتصاد کشور نیز دارد و مانع از رشد آن می‌شود.

درست است که بیمه، خسارت مالی وارده به بیمه‌گذار را جبران می‌کند، اما حتی در حالتی که هر خسارتی، از طریق روش بیمه‌ای توزیع ریسک، برای دارنده بیمه‌نامه جبران شود، باز هم خسارت به‌طور کلی بر دوش جامعه باقی می‌ماند. زیرا که بیمه‌گران غرامت‌ها را از محل حق‌بیمه‌ها تأمین می‌کنند، یعنی از محل وجوهی که از گروه بیمه‌گذاران دریافت کرده‌اند، افزون بر این نباید فراموش کرد که حرفه بیمه‌گری علاوه بر وجوهی که برای پرداخت خسارت‌ها نیاز دارد، متضمن هزینه‌های دیگری از قبیل هزینه استحصال و هزینه‌های اداری، بیمه‌های اتکایی و غیره هم هست که نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید. این هزینه‌ها را نیز در نهایت بیمه‌گذاران باید پرداخت کنند، یعنی هزینه‌های اخیر نیز به گروه بیمه‌گذاران تحمیل می‌شود.

وقتی خسارتی واقع می‌شود تنها زیان‌های مالی و جانی پدید نمی‌آورد بلکه در پاره‌ای موارد موجب خسارت‌های تبعی نیز می‌شود که به طور تمام و کمال قابل جبران نیست. برای مثال، آتش‌سوزی عظیم تنها به ساختمان و تأسیسات آسیب نمی‌رساند بلکه ممکن است موجب بیکاری افراد، وقفه در تولید و از دست دادن بازار و منافع شود. هم‌چنین ممکن است در تدارکات سایر مؤسسات طرف معامله نیز وقفه ایجاد شود. بنابراین، وقتی بیمه‌گذاری ریسک‌های خود را به بیمه‌گر انتقال دهد، بدین معنا نیست که کاملاً از عواقب اقتصادی حاصل از خسارت‌ها به‌دور است. نتیجه این که پیش‌گیری از خسارت + بیمه مطلوب‌ترین و کارآمدترین وسیله تأمین خواهد بود. پیش‌گیری از خسارت، از زیان‌ها جلوگیری می‌کند، یا آن‌ها را تقلیل می‌دهد؛ بیمه آثار

مالی آنچه را که قابل پیش‌گیری نیست، جبران می‌کند: هیچ‌کدام دیگری را نفی نمی‌کند یا جانشین آن دگر نمی‌شود.

وجه اقتصادی پیش‌گیری از خسارت: گرچه کمال مطلوب انسان پیش‌گیری از کلیه خسارت‌ها و زیان‌هاست، این امر هنوز از لحاظ اقتصادی میسر نشده است. نخستین گام در پیش‌گیری از خسارت این است که «در شرایطی که پیش‌گیری انجام نگرفته است هزینه‌های کارکنان و مواد مصرفی برای پیش‌گیری یا تقلیل خسارت، باید کمتر از حاصل ضرب هزینه تعمیر یا جایگزینی اموال موردنظر در احتمال وقوع خسارت باشد». در اقتصادی بودن عملیات پیش‌گیری صرفه‌جویی عامل تعیین‌کننده است. همواره حدود نتایج به دست آمده از اقدامات پیش‌گیرانه در مقابل هزینه‌های آن ارزیابی می‌شود و در صورتی که نتایج پیش‌گیری مساوی و یا بیشتر از هزینه مصرف شده باشد، عملیات پیش‌گیری از نظر اقتصادی مقرون به صرفه تلقی می‌شود. این قاعده در مواردی که زندگی انسان‌ها مطرح باشد قابل اعمال نیست، اما به هر حال باید در نظر داشت که برای هزینه اقدامات پیش‌گیرانه حد مطلوبی وجود دارد و هزینه‌های مصرف شده برای این حد، نه تنها در کاهش خطر تأثیری ندارد، بلکه به جمع هزینه خسارت احتمالی می‌افزاید.

افراد ذی‌نفع در پیش‌گیری از خسارت: اولین کسانی که از عملیات پیش‌گیری از خسارت منتفع می‌شوند، حتی اگر در تهیه پوشش‌های بیمه‌ای نهایت دقت را به کار برده باشند، افراد و مؤسسات تحت پوشش بیمه‌اند؛ زیرا که نفع هر مؤسسه در حفاظت از اموال و در ادامه فعالیت‌های اوست. بدیهی است که بیمه‌گذاران ترجیح می‌دهند هزینه بیشتری بابت ایمنی بپردازند، تا این که به هنگام جبران غرامت دچار تردید و حتی بالاتر از آن، موقع اقامه دعوی علیه بیمه‌گر، با دلهره مواجه شوند.

جلوگیری از خسارت به طور کلی متضمن منفعت جامعه و اقتصاد ملی است زیرا قطع نظر از این که خسارت را چه کسی پرداخت می‌کند بار آن بر دوش جامعه خواهد بود. آثار اقتصادی خسارت‌ها تنها در اموال و دارایی‌ها ظاهر نمی‌شود بلکه آثار مالی و اجتماعی آن، چنان است که ممکن است بهبود ساختار جامعه و رفاه افراد آن را تهدید کند. برای اثبات این موضوع کافی است که فاجعه نشت گاز در بوپال هند را به خاطر بیاوریم. این حادثه سوای زبانی که به دارایی و سرمایه‌گذاری‌ها وارد آورد، مسائل اجتماعی و اقتصادی پر دامنه‌ای در مقابل دولت قرار داد. جلوگیری از خسارت هم‌چنین

منافعی را متوجه شرکت‌های بیمه می‌کند زیرا هدف مقدماتی این عملیات تقلیل در خسارت‌هایی است که شرکت‌های بیمه باید جبران کنند. همین موضوع موجب شد تا اولین بیمه‌گران انگلیسی، در سده چهاردهم میلادی برای حفاظت از مآختمان‌هایی که بیمه کرده بودند گارد آتش‌نشانی اختصاصی به‌وجود آورند. انگیزه مشابهی موجب شد تا بیمه‌گران لویدز در سده هجدهم ریسک‌ها و کشتی‌ها را با توجه به خطر موضوعه دسته‌بندی کنند و برای ریسک‌های خوب پاداش و برای ریسک‌های بد جریمه قایل شوند. با این همه، بیمه‌گران آن‌طور که شایسته است به اندازه بیمه‌گذاران در مورد پیش‌گیری از خسارت اشتیاق ندارند. بیمه‌گران عقیده دارند که منافع آن‌ها در وصول حق بیمه‌های بیشتر است. درحالی‌که پیش‌گیری از خسارت موجب کاهش ریسک و در نهایت کاهش نرخ بیمه می‌شود. در حالی‌که نباید فراموش کرد که کاهش نرخ بیمه سبب جلب تعداد بیشتری بیمه‌گذار خواهد شد که پرتفوی وسیع‌تر را به وجود می‌آورد و موجب پراکندگی بیشتر ریسک‌ها می‌شود. این ملاحظات در بازارهایی که حجم حق بیمه کنونی آن‌ها نسبتاً کم و در نتیجه با تزلزل نتایج مواجه هستند، اهمیت درخور توجهی دارد.

یکی دیگر از آثار پیش‌گیری از خسارت، امکان طبقه‌بندی خطر‌ها و به‌وجود آوردن پرتفوی همگون است که به عملیات بیمه اتکایی نیاز کمتری دارد. از جمله مشکلاتی که بیمه‌گران را نگران می‌سازد، مسأله ناپایداری نتایج یا تجارب زیان‌آور است. برای بیمه‌گران آسان نیست که در مواجهه با هر جریان زیان‌آوری نرخ بیمه را افزایش دهند. چراکه در بسیاری از موارد مقاومت شدید بیمه‌گذاران و حتی دولت‌ها ممکن است تغییر ساختار نرخ‌ها را ناممکن یا لافل با تأخیر مواجه کند. افزون بر این، افزایش نرخ بیمه اغلب اثر ضدتولیدی دارد، زیرا ممکن است بیمه‌گذاران را به خود بیمه‌گری، نگهداری سهم بزرگی از خسارت برای خود و حتی به ایجاد شرکت‌های خود بیمه‌گر ترغیب کند که به کاهش شدید حق بیمه و درآمد بیمه‌گران منجر می‌شود. اگر این قضیه را بپذیریم که افزایش حق بیمه به تنهایی راه‌حل دائمی نیست، آخرین پاسخی که در قبال تزلزل نتایج پیش‌رو داریم، اقدام‌هایی است که برای پیش‌گیری از خسارت انجام می‌گیرد. در روش پیش‌گیری از خسارت، هر بیمه‌گذار حق دارد که با بیمه‌گر خود براساس میزان ایمنی و پیش‌گیری و از خسارتی که برای ریسک‌های خود به‌وجود آورده است، معامله کند. بدین طریق پیش‌گیری از خسارت، تعدیل حق بیمه را موجب می‌شود، یعنی به ریسک‌های خوب حق بیمه متعادل و معقول و به ریسک‌های بد حق بیمه بیشتری تعلق می‌گیرد.

مسئولیت پیش‌گیری از خسارت

بدیهی است که بار اصلی مسئولیت پیش‌گیری از خسارت بر عهده بیمه‌گذار است، گرچه تلاش‌های لازم برای پیش‌گیری از خسارت باید به احساسات موجود در کل جامعه متکی باشد. افراد جامعه ممکن است به ضرورت پیش‌گیری از خسارت حساسیت داشته یا نداشته باشند. اگر بیمه‌گذار مؤسسه بزرگی است، ممکن است تصمیم بگیرد که از تکنیک‌های مدیریت ریسک برای کنترل و پیش‌گیری از خسارت بهره جوید. اما به‌رحال چون همه بیمه‌گذاران مؤسسات بزرگ نیستند و همه مؤسسات بزرگ لزوماً به سرمایه‌گذاری در پیش‌گیری از خسارت علاقه‌ای ندارند، به عهده دولت‌هاست که به نمایندگی جامعه، خود اقدامات پیش‌گیری از خسارت را به مرحله اجرا گذارند. برای مثال، تنها دولت‌ها می‌توانند از صنایع بخواهند که استانداردهای ایمنی خاصی را بپذیرند؛ یا این که معمولاً خدمات خاصی از قبیل آتش‌نشانی و انتظامی را دولت‌ها ارائه می‌کنند.

به‌طور قطع، بیمه‌گران نیز از اقدامات پیش‌گیرانه منتفع می‌شوند، بنابراین باید آماده باشند تا در این زمینه تشریک مساعی کنند. برخورد آن‌ها با پیش‌گیری از خسارت باید این باشد که در مورد ریسک‌های خاصی که بیمه کرده‌اند و درباره رفتار بیمه‌گذار در رابطه با ریسک‌ها اظهار نظر کنند. در واقع بیمه‌گران در زمینه پیش‌گیری از خسارت نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. به ویژه این که آنان در جریان فعالیت روزانه خود تجارب باارزشی در خصوص تجزیه و تحلیل عوامل تشدید کننده خطر، رسیدگی به خسارت‌ها و گردآوردن آمار مربوط به دست می‌آورند. بنابراین، می‌تواند پاره‌ای از اقدامات را به نحو مطلوب انجام دهند.

به دلایلی که برشمردیم، معمولاً بیمه‌گران از تلاش‌هایی که به پیش‌گیری از خسارت منجر می‌شود، حمایت می‌کنند. آن‌ها بابت برنامه‌های پیش‌گیری از خسارت مبالغ هنگفتی مصرف می‌کنند؛ سازمان‌های بازرسی از خطر به وجود می‌آورند؛ و حتی گاهی فراتر از این، به تحقیقات و ایجاد روش‌ها و استانداردهای جدید ایمنی، کارخانه‌های سازنده و غیره می‌پردازند. هم‌چنین، در زمینه ارائه توصیه‌هایی که خطر را کاهش و خسارت‌ها را تقلیل می‌دهد، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. بیمه‌گران به ویژه علاقه خاصی به ایجاد دستورالعمل‌ها و مجموعه مقررات ایمنی دارند. ■